اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**یک بحثی را مطرح کردیم به عنوان این که کتاب رجال در عبارت نجاشی ممکن است مراد فهرست باشد خوب البته خوب بحثی است که چون ندیدم من هم آقایان متعرض بشوند مخصوصا فرض کنید مثلا به احمد برقی کسی فهرست نسبت نداده در این کتاب‌هایی که ما دیدیم و اینکه حالا مثلا بگوییم در نجاشی این جور آمده در فلان جا این جور آمده به نظر من خیلی هم کفایت نمی‌کند این باید ریشه‌های مطلب را در این جور موارد ، همه‌ی موارد نه این جور موارد دنبال آن ریشه‌ها و تحلیل اساس کار باشیم .**

**عرض کردیم تحلیل اساس کار اصولا در فهرست نجاشی و شیخ بیان همان مصدری است که بر آن اعتماد کردند آن مصدر را باید نگاه کرد و ارزیابی خود آن مصدر و ارزشی که خود آن مصدر دارد ببینیم آن مصدری که این مطالب را نوشته چون گاهی اوقات و گاهی اوقات هم نه نسبتا هم زیاد است شیخ با مرحوم نجاشی اختلافشان در حقیقت در مصدر کلامشان است این یک کتاب نسبت می‌دهد آن یک کتاب دیگر از دو راه مختلف یعنی یک راه مختلف نیست و لذا این بحثی هم که آقا علیرضا گفتند اعتبار سنجی خواهی نخواهی وقتی ما تحلیل کردیم اعتبار سنجی هم خودش در می‌آید دیگر احتیاجی به بحث اعتبار سنجی هم ندارد . یعنی معین می‌شود که آیا اعتبار دارد یا ندارد .**

**خوب اولین مصدری که کتاب‌های برقی را نوشته آن که الان دست ما موجود است فهرست ندیم است که قبل از شیخ و نجاشی بوده و هر دو هم گاهی از آن نقل می‌کنند در فهرست ندیم بیاورید احمد بن ابی عبدالله البته فهرست ندیم چون طریق و سلسله‌ی به اصطلاح اجازه را نقل نمی‌کند عرض کردیم فهرست ندیم اگر ارزشی داشته باشد حالا اگر هم بگوییم حالا قبول بکنیم کتاب‌هایی را ایشان نام می‌برد چون ایشان شیخ الوراقین در بغداد بود رئیس سندیکای چاپخانه‌ها و انتشاراتی بغداد بود رئیس دائره‌های انتشاراتی بود ، انتشاراتی‌ها رئیسشان این آقای ندیم است نهایتش این است که ایشان کتبی را نام برده که این کتب در بازار موجود بوده یعنی ایشان احسنتم .**

**اگر مثلا نام نبرده اگر اسم نبرده یا کتابی را اسم برده آن ارزشیابی علمی و اعتبار سنجی حوزوی ما را ندارد در بازار چه حالا موجود بوده در بازار برداشته اسم برده به حسب آن که در بازار موجود بوده است .**

**یکی از حضار : نقل نجاشی و شیخ دلیل اعتبار و اعتمادش است ؟**

**آیت الله مددی : بله آن ها چون سند دارند آن ها دلیل اعتماد می‌شود ؟**

**یکی‌اش اولش که ندیم است رحمة الله علیه ، در فهرست ندیم بیاورید اسامی کتب برقی را برقی پسر را اصطلاحا احمد برقی پسر است محمد برقی پدر است ، برقی پسر را که ایشان آورده .**

**یکی از حضار : برقی را با نام پدر آورده بعد در ادامه که ابنه احمد بن ابی عبدالله وله من الکتب کتاب الاحتجاج ، کتاب السفر ، کتاب البلدان اکبر من کتاب ابیه .**

**آیت الله مددی : کتاب رجال نسبت نداده ؟**

**یکی از حضار : خیر .**

**آیت الله مددی : طبقات یا رجال به پدر نسبت داده است ؟**

**یکی از حضار : بله ، له کتاب طبقات الرجال و قرائت بخط ابی علی بن همام قال کتاب محاسن برقی یحتوی علی نیف و سبعین کتابا و یقال علی ثمانین کتابا و کانت هذه الکتب عند علی بن همام بعد شروع می‌کند کتاب‌هاش را کتاب المحبوبات کتاب المطبوعات کتاب الطبقات الرجال .**

**آیت الله مددی : برای پدر ؟**

**یکی از حضار : بله**

**آیت الله مددی : نه محاسن که برای پسر است معروف است برای پسر است .**

**یکی از حضار : این هشتاد تا را جزء جزء نام می‌برد بعدش .**

**آیت الله مددی : بله دیگر به فهرستی که نزد ابو علی ابن همام بوده محمد بن همام بغدادی ایشان از بزرگان اصحاب است فوق العاده بزرگوار و جلیل القدر است و از چه کسی نقل کرده قبلش هم مرد بزرگواری است یکی دیگر هم گفتید . قبل از ابو علی بن همام**

**یکی از حضار : نبود .**

**آیت الله مددی : ابو علی بن همام اسمش محمد بن همام به نظرم بعدش ابی بکر بن سهیل بن فلان است .**

**علی ای حال ایشان ابو علی بغدادی متوفای 336 است مرد بسیار بزرگواری است بسیار جلیل القدر است خیلی یکی از کسانی است که در حفظ میراث‌های شیعه خیلی اهتمام داشتند هم بر اصول و مصنفات و کذا نسخه‌ای که ایشان نقل می‌کند می‌گوید هشتاد نسخه کتاب اما از یک نسخه‌ی دیگر معلوم می‌شود که هفتاد و دو کتاب آن وقت رجال را جزو همین کتاب قرار داده طبقات الرجال اولا ایشان اشتباهی که کرده این را به پدر نسبت داده واضح است که برای پسر است و اسم کتاب را هم یکی آورده طبقات الرجال یعنی ایشان یک کتاب آن وقت وقتی نگاه می‌کنیم چون کتاب خود ندیم در تقریبا سیصد و به نظرم هفتاد و هفت یا هفتاد و هشت یا هشتاد و هشت یک چنین چیزی وفات ابن ندیم در بغداد است البته ابن ندیم کاملا واضح است که سنی است لکن چون حکومت آل بویه طرفدار شیعه بودند ایشان در این زمان یعنی مثلا اسم علی را که می‌گوید علیه السلام می‌گوید و این به خاطر وضع حکومت و وضع سیاستی که حاکم بر عراق بود ایشان را خیال می‌کنند مثلا شیعه باشد .**

 **به هر حال کتابی است دارای ارزش فراوان نشان می‌دهد چه کتاب‌هایی در بازار آن زمان در بازار انتشارات وجود داشته از این جهت کتاب بسیار بسیار قابل استفاده است .**

**یکی از حضار : خاطر شریفتان باشد آن جلسات هم که خواندیم اینجا یک خللی در نسخه هست به خاطر این که این چاپی که من الان دارم برای آقای تجدد این شکلی این جا چاپ شده است ، فرقان را همراهم ندارم . قرار بود این جا از فرقان چک بشود. ایشان نوشته البرقی ابو عبدالله محمد بن خالد بعد می‌گوید وله من الکتب کتاب التفسیر ، کتاب التبصرة ، کتاب المحاسن ، کتاب الرجال فیه ذکر من روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام این را می‌گوید بعد می‌گوید الحسن بن محبوب سراد وهو زراد من اصحاب مولانا الرضا و محمد ابنه وله من الکتب کتاب التفسیر ، کتاب النکاح ، کتاب الفرائض ، کتاب الحدود والدیات و بعد می‌گوید قرائت بخط ابی علی ابن همام قال کتاب المحاسن للبرقی این وسط**

**آیت الله مددی : ظاهرا عبارت خلط کرده یعنی محاسن را**

**یکی از حضار : چون در بعد هم در ادامه که الان حسن بن محبوب را آورده و این ابو علی بن همام را آورده می‌گوید ابنه احمد این جا انگار نسخه یک بالا پایینی دارد .**

**آیت الله مددی : به نظر خرابی نسخه باشد .**

**به هر حال آن اگر یک کتابی به نام رجال داشته که ایشان نقل می‌کند خصوص کسانی است که از امیرالمؤمنین نقل کرده است اگر این درست باشد نیاورده بقیه را آن وقت طبقات الرجال را هم ذکر کرده است .**

**یکی از حضار : در محاسن**

**آیت الله مددی : آها در محاسن الان که در محاسن نیست طبقات الرجال .**

**یکی از حضار : باز هم یک کمی عجیب است چون که فرض کنید الان در کتاب محاسنش این کتاب‌هایی که ذکر کرده اصلا به محاسن نمی‌خورد . کتاب التاریخ کتاب الاسباب**

**آیت الله مددی : البته این کتاب طبقات الرجال که ایشان دارد ممکن است همین طبقات باشد که الان اخیرا شما آوردید نسخه را به اسم طبقات چاپ شده آن وقت تاریخش ممکن است رجال باشد . چون الان خود این هم حالا بعد چون بعد می‌خواهم بگویم الان چون خود بخاری هم خود کتاب التاریخ الکبیر رجالش است رجالش تاریخ است اسمش ، اسمش تاریخ است اما رجال است چون ان شاء الله بعد عرض خواهیم کرد ما یک مشکلی دیگری هم داریم ابن عقده هم کتاب التاریخ دارد لکن نجاشی ما شاء الله از ایشان مطالب فهرستی نقل می‌کند . معلوم می‌شود یک چیزی ما بین رجال و فهرست بوده یک جوری باید حلش بکنیم و الا فهرستی را یا مثلا اجازه‌ای را به ابن عقده نسبت نمی‌دهند در این جهت یعنی الان ما از ابن عقده چیزی نداریم آن وقت هم نجاشی خیلی انفراد دارد شرحش را بعدا عرض می‌کنم وقتی وارد کتاب نجاشی بشویم تفصیلش هست که آیا واقعا تاریخی را که ابن عقده داشته درش فهرست هم بوده یا نه .**

**مثل این کتاب التاریخ والمعرفة هست که اخیرا برای ابو یعقوب فسوی چاپ کردند تا حالا چاپ نشده بود سه جلد بزرگ است دو جلد قطور است تازه چاپ شده ندیدید نمی‌دانم تا حالا چاپ نشده بود من تا حالا ندیده بودم از آن نقل دیدم خود کتاب را ندارم یکی از آقایان گفت من دارم اما من ندارم کتاب را اگر پیدا کردید برای ما هم بگیرید التاریخ والمعرفة برای همین ابو یعقوب فسوی ، یعقوب بن فلان ابو کذای فسوی انصافا هم خیلی لطایف دارد خیلی نکات دارد انصافا این کتاب ایشان فواید بسیار زیادی دارد این کتاب التاریخ من مقدارش را دیدم بعضی از این محققین معاصر برای توضیح از این کتاب التاریخ و المعرفة ایشان نقل کردند خیلی ، حالا شاید هم در اینترنت کل متنش موجود باشد .**

**یکی از حضار : هست دارم نگاه می‌کنم نوشته که دویست و هفتاد و هفت فوت کرده راوی نسخه هم ابن درستویه بوده است .**

**آیت الله مددی : خیلی واقعا کتاب فوق العاده ای است یعنی واقعا انصافا دویست و هفتاد و هفت یعنی چیزی در حدود بیست سال بعد از بخاری قدیمی است خیلی کتاب معلومات لطیفی دارد .**

**یکی از حضار : سه جلد است .**

**آیت الله مددی : بله سه جلد است انصافا می‌گویم من خودم کتاب را ندیدم یکی گفت من دارم یعنی معلوم می‌شود قم آمده به هر حال حالا یا مثلا سفر لبنان خریده یا به هر حال انصافا من هم از آن نقل دیدم بعضی از معاصرین ما اهل سنت که تحقیق می‌خواستند بکنند مطلب را از این نقل می‌کنند یک شرحی هم دادند که این کتاب تازه چاپ شده برای اولین بار چاپ شده یک شرحی هم دادند و انصافا هم مطالب بسیار نابی دارد انصافا یعنی حیف است این کتاب در شیعه مثلش نباشد این التاریخ والمعرفه را . من احتمال می‌دهم تاریخ ابن عقده هم که بعد از این تاریخ است ابن عقده سیصد و سی و سه است این شاید متاثر به همین تاریخ بخاری و تاریخ همین آقا فسوی باشد .**

**علی ای کیف ما کان احتمالا کتاب تاریخی هم که ایشان از نقل می‌کند به هر حال فعلا بر اعتمادی بر نقل ندیم نیست یعنی ارزیابی بخواهیم بکنیم اعتبار سنجی بخواهیم بکنیم انصافا اعتباری برایش نیست کتاب محاسن برای پسر است و واضح هم هست ایشان به پدر نسبت داده زیاد دارد عن ابیه عن ابیه به پدر نمی‌خورد یعنی کتاب اصولا ، البته کتاب محاسن مشوهی دارد تشویه دارد انصافا و احتمال می‌دهیم یک مقداری که نجاشی می‌گوید زید فیه و نقص شاید در اسانیدش هم کم و زیاد شده فقط در متن نیست ، به هر حال این کتاب محاسن احتیاج به یک شرح خاص خودش را دارد که دیگر جایش الان اینجا نیست باید بعدها و احتمالا نسخ متعدد داشته است احتمالا زید فیه و نقص برای مجموعه‌ی نسخ است چون ما برایمان روشن شده است که بعضی‌ها از این مثلا از این محاسن نقل می‌کنند کسی دیگر نقل نکرده است اگر بخواهیم این حرف‌ها را بزنیم از بحث کلا خارج می‌شویم . این شرحش بگذار تا وقتی دگر .**

**مصدر دومی که راجع به کتاب برقی داریم کتاب مرحوم شیخ طوسی است عبارت شیخ را در فهرست بیاورید ، این مصدر اول که ارزش چندانی پیدا نکرد و طبقات الرجال اسم برد که حالا این خودش هم باید ثابت بشود این اسم ، اسمش طبقات الرجال باشد یک رجالی هم نسبت داد که فقط عن امیرالمؤمنین که خیلی عجیب است باید اسمش باشد رجال امیرالمؤمنین این طوری مثلا یا این اشتباه کرده به تسمیة من شهد الصفین با آن کتاب اشتباه کرده نمی‌دانم حالا به هر حال ، به هر حال فعلا اعتماد بر این نوشتار خیلی ضعیف است بفرمایید ، شیخ طوسی بفرمایید .**

**یکی از حضار : در این چاپ نشر اسلامی شماره‌ی 65 احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی البرقی ابو جعفر همه‌ی ترجمه را بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : نه نمی‌خواهد له من الکتب .**

**یکی از حضار : وکان ثقة فی نفسه غیر انه اکثر روایة عن الضعفاء واعتمد المراسیل وصنف کتب الکثیرة منها المحاسن وغیرها وقد زید فی المحاسن ونقص**

**آیت الله مددی : این زید فیه و نقص احتمالا نسخه‌ها بوده ، یعنی مثلا اول محاسن را نوشته بعد از دو سال کم و زیاد کرده باز پخش کرده است باز بعد از سه سال کم و زیاد کرده است مثل همین چاپ هایی که الان مختلف هست مزید و محقق و منقح و کذا احتمال این است یعنی الان و اینکه مثلا بگوییم زید فیه یعنی دیگران رواة اضافه کردند اگر این باشد ارزش کتاب را می‌آورد پایین اگر زیادة و نقیصه از مولف باشد ارزش را نمی‌آورد پایین .**

**یکی از حضار : از عبارت برمی‌آید که خود مولف فقط زیده یعنی غیر از این اصلا استفاده نمی‌شود .**

**یکی از حضار : آخر بعدش در ادامه دارد و من ما وقع الی منها**

**آیت الله مددی : نه زید فیه و نقص احتمال لذا بعضی‌ها هم این احتمال را گرفتند برای تضعیف خودش و کتاب اصلا که این کتاب نسخه‌های متعدد دارد و بعضی از نسخ مثلا جعلی است زیاد کردند نسخه را زیاد کردند مثل فرض کنید مفاتیح الجنان با حدیث کساء حالا اصل مفاتیح حدیث کساء درش نبوده است برداشتند حدیث کساء را اضافه کردند حالا اگر احتمال این باشد مشکل پیدا می‌کند مشکل است .**

**یکی از حضار : یک چاپ کربلا دیدیم آن ها در اعمال شب قدر حرم را آنجا اضافه کردند .**

**آیت الله مددی : غرض اینکه این دارد این زید و نقص را ما به نظرم اگر از خود مولف باشد مثلا علی بن حسین سعد آبادی الان ما داریم که ایشان تا آنجایی که من دیدم دیگر نمی‌دانم حالا جای دیگر در کامل الزیارات غیرش هر جا روایت دارد از برقی است از غیر از برقی ندارد برقی پسر ، اصلا انفراد دارد یعنی روات ، البته در عدة من اصحابنا کلینی هم هست علی بن حسین سعد آبادی تصادفا یک شبی یک جایی بودیم یکی از آقایان فضلای معاصر که الان مریض است و بی حال است اسمش را نمی‌آوریم دیگر می‌گفت این نامه‌ای را که می‌گویند حضرت عسکری نوشته برای علی بن حسین بن بابویه پدر صدوق این اشتباه است این مراد این نیست چون دارد فقیهی وثقتی وشیخی ومعتمدی این راجع به علی بن حسین سعدآبادی است . گفتم آن که بدتر است وضعش آن که اصلا مجهول الهویة است هیچ شناختی نداریم .**

**سعد آباد هم این قم است ها نه سعد آبادی که حالا تهران است چون از اشعری‌ها سعد داریم سعد بن فلان سعد بن عبدالله از این طوری که از کتاب تاریخ قم معلوم می‌شود تقریبا این جور از حدود همین خیابان آذر و چهار مردان و از این رودخانه این سعد بن فلان قمی یک راهی کشیده بود از رودخانه تا حدود مثلا آخرهای خیابان آذر یا چهار مردان تا آنجا آباد کرده بود منطقه را اسمش را سعد آباد گذاشتند سعد آباد در قم این منطقه است این نهر آبی که این سعد اشعری کشیده بود این در تاریخ قم دارد این هم حالا غرض چون آقای بنائی هم قمی هستند به نظرم منزل شما همین حدود سعد آباد است همین چهارمردان است نیست ؟ ایشان هم سعدآبادی هستند با این معنا . این سعد آباد قم است که سعد اشعری جوی آبی می‌کشد .**

**حالا به هر حال ایشان توثیق نشده و غیر از توثیق عجیب است این است که ایشان نقل ، مثلا عدة من اصحابنا ایشان یک نسخه‌ای از برقی نقل می‌کند که دیگران نقل کردند کلینی خیلی دقیق است بعضی جاها می‌گوید علی بن الحسین یعنی فقط علی بن الحسین نقل کرده حالا آیا اینها این کم و زیادها برای خود علی بن الحسین است یا برای خود برقی است ؟ علی بن الحسین تضعیف نشده است در کامل الزیارات هم موجود است لکن عجیب این است فقط از برقی هستند بعضی‌ها که مثلا فقط از آشیخ حسن نخودکی مطلب نقل می‌کنند از کسی دیگر هم نقل نمی‌کنند یک چیزهایی نقل می‌کنند که هیچ کس دیگری نقل نکرده است یک چیزهای عجیب و غریب هستند زمان ما هستند در همه‌ی زمان‌ها پیدا می‌شود مرحوم علی بن حسین سعدآبادی یک چیزهایی نقل می‌کند که فقط ایشان منفرد است ، من مثال زدم که معلوم بشود زید فیه و نقص که من عرض کردم مراد این است الان با اینها چه کار کنیم .**

**علیرضا می‌گفت اعتبارسنجی ما به جای اعتبارسنجی ریشه‌هایش را می‌گوییم حالا ممکن است یک آقایی قبول بکند یک آقایی قبول نکند طبیعت مباحث اعتباری این جوری است دیگر ریشه‌ها را بیان می‌کنند این ریشه‌اش این است ایشان چیزهایی را از مرحوم برقی نقل می‌کند که کسی دیگر نقل نمی‌کند علی بن حسین سعدآبادی ، توثیق خاصی هم ندارد البته ایشان استاد کلینی هم بوده ادب ، ادب عرض کردم مودب الکلینی مودب به معنای آموزگار عرب اصطلاحا در زمان قدیم ادب چیزی بوده که موجب زیور و زینت و زیبایی می‌شده زیور آرایش ادب ، یا این آرایش در سخن بود ادب القول به آن می‌گفتند ادبیات صرف و نحو و اینها یا این آرایش در عمل بود ادب الفعل به آن می‌گفتند اخلاق ، اخلاق ادب الفعل ، ادبیات ادب القول است این که ایشان می‌گویند کان مودب یعنی مودب در ادبیات صرف و نحو و بلاغت و علوم بلاغت یعنی اینهایی که زیبایی کلام را ایجاد می‌کنند .**

**کاتب اصطلاح کاتب شغل اداری بوده آن مثل دیوانی بوده شغل دیوانی دخل و خرج را می‌نوشتند مالیات‌ها را می‌نوشتند ثبت و ضبط مالیات‌ها یک چیزی ما بین محضرهای ثبت اسنادی که ما داریم و ما بین اداره‌ی مالیات و یک چیزی ما بینهما اینها را ضبط می‌کردند که اوضاع ، کاتب به عنوان منصب آن است اما این ادب این است .**

**و لذا در زبان فارسی هم ادبستان می‌گفتند که بعد تخفیف شد دبستان ، اصلش دبستان کلمه‌ای ادبستان چون در آنجا ادبیات و صرف و نحو و اینها را یاد می‌دادند مقدمات را یاد می‌دادند اما ما داریم یعنی الان ما یک مشکل را داریم که افرادی هستند منفردا این عبارت نجاشی شیخ که می‌گوید زید فی المحاسن یک مطلبی را من پریشم گفتم که من عمدا این مطلب را امشب اضافه می‌کنم بنا نبود امشب این مطلب را بگویم به زبانم جاری شد لکن عمدا گفتم چون عرض کردم الان آقایان یا نجاشی یا شیخ می‌گوید زید فیه و نقص این را تعبد می‌گیرند که ما تعبد به کلام شیخ که در کتاب محاسن کم و زیاد .**

**من سعی کردم نشان بدهم نه این واقعیت است تعبد نیست ، الان علی بن حسین سعدآبادی چیزی نقل می‌کند که دیگران نقل نمی‌کنند پس این زیده است . دقت فرمودید ؟ روشن شد ، یکی از کارهای اساسی من یکی از هنرهای اساسی من این تعبدهایی که تا حالا در حوزه بود می‌خواهیم برداریم تبدیل به تحقیق بشود بالفعل داریم بحث دیگر این بشود که حالا چه کار بکنیم اولا عقل نظری بیاید این هست این زید فیه و نقص در کتاب عبارت شیخ طوسی تعبد نیست این هست این واقعیت است الان هم داریم مثالش هم مثال خدمتتان عرض کردم در کتب متعددی هم هست هم با دیگران عدة من اصحابنا در کافی زیاد است خوب عن احمد البرقی عدة یکی‌اش هم علی بن حسین سعدآبادی است خود علی بن حسین سعد آبادی جزو عده است .**

**گاهی هم علی بن الحسین به تنهایی نقل می‌کند کسی دیگری نقل نمی‌کند ، اینها را اصطلاحا می‌گویند زیده یعنی زیادی ایشان نقل کرد لکن این زیادی معنایش این نیست که ایشان اضافه کرده خوب دقت کردید ؟ حالا ایشان معلوم می‌شود نزد غیر از مرحوم برقی جای دیگری درس نخوانده هستند بعضی‌ها دیدید دیگر نزد یک استاد درس می‌خواند هر چه بلد است از همان استاد است گاهی اوقات مطالبی از آن استاد نقل می‌کند که کسی دیگر نقل نمی‌کند فقط همین چون این تخصص به همین استاد داشته ظاهرا ایشان فقط نزد همین برقی حاضر شده است .**

 **لذا گاه گاهی مطالبی را از برقی نقل می‌کند که دیگران نقل نکردند اما این معنایش این نیست که ایشان دروغ گفته این معنایش این نیست معنایش این است که خوب شاید نسخه‌ی مشهوری نبوده برقی این را نقل کرده بعد خودش برداشته است به اصطلاح جاهایی که ایشان تنها نقل می‌کند و مخصوصا چون توثیق صریحی هم ندارد آقای خوئی توثیقش کردند به کامل الزیارات که از آن مبنا هم برگشتند چون توثیق صریحی هم ندارد نمی‌توانیم فعلا مثلا خیلی اگر واقعا انفراد داشت یک مقدار روی انفرادات تامل می‌کنیم اعتبار سنجی که علیرضای من می‌گوید اعتبار سنجی یک توقفی باید کرد .**

**اما اینکه گفتند مودب کلینی بوده واضح هم هست که از مشایخ قم است از او نقل می‌کند کلینی از او نقل می‌کند دیگران از او نقل می‌کنند این خوب فی الجملة معلوم می‌شود آن طور ضعفی ندارد که بگوییم نسبت به خودش بدهیم آیا می‌شود قبول کرد الان هم ما داریم افرادی هستند که خیلی تخصص دارند در یک آقای معین یک چیزهایی هم نقل می‌کنند که کسی دیگری نقل نمی‌کند رد نمی‌کنیم اما زود هم قبول نمی‌کنیم یک توقف مائی با شواهد می‌گوییم با شواهد قابل قبول هست یا با شواهد قابل قبول نیست بفرمایید آقا این هم کلمه‌ی زید فیه و نقص هم یک توضیحی داده بشود .**

**یکی از حضار : ما وقع علی منها بعد اسم کتاب‌ها را آورده است .**

**آیت الله مددی : خوب بخوانیم ببینیم بعد رجال و طبقات ، عبارت شیخ در فهرست . چون من آقا عرض کردم اول ندیم چون در 370 یا هشتاد و خورده‌ای چون مرحوم نجاشی اسم شیخ را برده و کتاب‌های ایشان را هم نوشته است نجاشی اسم شیخ را برده است اما شیخ اسم نجاشی را نبرده است و الا این طور که مشهور است وفات نجاشی قبل از وفات شیخ است وفات نجاشی را 350 نوشتند البته مرحوم آقای تستری اشکال داشت خیال می‌کرد بعد از 460 است اما به هر حال چون نجاشی کلمات شیخ را آورده است آثار شیخ در کتاب نجاشی هست عکسش نیست شیخ اسم نجاشی را اصلا نیاورده است با اینکه واقعا جزو شیوخ شیعه است و خیلی بزرگوار است پدرش هم جزو شیوخ شیعه است . خیلی عجیب است شیخ اسم هر دو را نیاورده است . بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : کتاب‌هایی که برده حالا مثل اینکه در رتبه‌ی چیز هم هست . کتاب المآثر والانساب ، کتاب انساب الامم بعد می‌آید جلوتر می‌گوید که این کتاب‌ها خیلی زیاد است بعد می‌آید می‌گوید که**

**آیت الله مددی : شاید همان خط ابو علی بن همام بوده ایشان نقل کرده است**

**یکی از حضار : آخرش که تمام می‌شود می‌گوید کتاب التاویل بعد می‌گوید و زاد محمد بن جعفر علی ذلک کتاب الطبقات والرجال کتاب الاوائل کتاب الطب اینجا کتاب الرجال یا طبقات دیگر مستقلا ندارد طبقات الرجال بعد می‌گوید اخبرنا بهذه الکتب کلها وبجمیع روایاته عدة من اصحابنا بعد می‌گوید منهم الشیخ اباعبدالله**

**آیت الله مددی : عرض کردیم عده‌ای از اصحاب هم نجاشی دارد جماعة من اصحابنا و هم شیخ دارد در فهرستشان آنهایی که در بغداد بودند و معروف بودند در کتاب شناسی یکی‌شان شیخ مفید است یکی‌شان ابن عبدون است یکی‌شان ابن غضائری پدر است و یکی دیگر هم به نظرم دارد اینها عدة من اصحابنا ، ایشان می‌گوید منهم الشیخ محمد بن محمد که مراد شیخ مفید است منهم الشیخ است .**

**یکی از حضار : ابا عبدالله حسین بن عبید الله**

**آیت الله مددی : ابن غضائری پدر**

**یکی از حضار : احمد بن عبدون**

**آیت الله مددی : احمد بن عبدون هم عرض کردیم**

**یکی از حضار : و غیره**

**آیت الله مددی : و غیره عرض کردم این سه تا را گفتم ایشان وقتی می‌خواهد یک چیزی نقل کند عدة من اصحابنای فهرست این است ها این باز عدة من اصحابنای کافی است اینها را اشتباه با هم نکنید رجال را با فهرست اشتباه نکنید بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : این می‌گوید به سعدآبادی می‌رساند بعد می‌گوید اخبرنا هولاء الثلاثة عن الحسن بن حمزة علوی ، باز دو باره یک چیزی می‌گوید از آن حدثنا احمد بن عبدالله بن بیت برقی قال حدثنا جدی طریق سوم و اخبرنا هولاء من الشیخ ابا عبدالله وغیرهم عن ابی المفضل الشیبانی و طریق چهارم واخبرنا ابن ابی جید عن المحمد بن الحسن بن ولید عن سعد بن عبدالله عن احمد بن ابی عبدالله بجمیع کتبه و روایاته این چهار تا طریق**

**آیت الله مددی : ما شاء الله چهار تا طریق مفصل دارد از طریق ابی المفضل هم دارد ، این طرق خوب یکی یکی باید بررسی بشود طریق که زیاد است انصافا معلوم می‌شود خیلی این کتب در آن زمان در بغداد ، طبقات الرجال یک بار اسم برده است ؟**

**یکی از حضار : بله آن هم در اضافات محمد بن جعفر .**

**آیت الله مددی : خوب می‌دانید محمد بن جعفر ان شاء الله تعالی امشب هم می‌گوییم بخوانید دیگر نمی‌خواستیم الان بخوانیم ، ابن بطه‌، ابن بطه‌ی معروف محمد بن جعفر است در کتاب ابن بطه طبقات الرجال آمده است و مراد از کتاب ابن بطه فهرست ابن بطه است که ایشان طبقات الرجال ، خیلی عجیب است و شیخ از این مشاهیر اصحاب که نقل کرده کتاب رجال یا طبقات را ذکر نکرده است خیلی عجیب است این خیلی عجیب است یک رجال مرحوم کتاب ندیم دارد که خاص اصحاب امیرالمؤمنین است طبقات الرجال را آنجا هم دارد این جا طبقات الرجال را فقط به ابن بطه نسبت داده به محمد بن جعفر بن بطه ، به ایشان نسبت داده است این برای ایشان خیلی خوب برای ایشان هم روشن می‌خواهید شرح اجمالی طرق را عرض بکنم ، طریق اول را بگوییم عدة من اصحابنا حالا منهم کذا بعد ، طریق اول را چهار تا طریق بود .**

**یکی از حضار : احمد بن محمد بن سلیمان زراری**

**آیت الله مددی : این احمد بن محمد این ابو غالب زراری است این از فهرست ابو غالب زراری است ، یکی از کتاب‌هایی که در بغداد در اختیار شیخ و نجاشی بوده همین کتاب فهرست من اسمش را فهرست گذاشتم اسم کتاب فکر می‌کنم ، ایشان یک تاریخی را از آل زراره دارد که چاپ کرده هم آقای جلالی تحقیق خوبی هم کرده به نظرم جایزه هم گرفته است کتاب سال شده است و آقای ابطحی هم چاپ کردند تاریخ آل زراره این یک کتابی ایشان دارد آن وقت آخر کتابش یک لیستی می‌دهد ثبتٌ به قول آن قدیمی‌ها یک لیستی می‌دهد از کتاب‌هایی که در کتاب‌خانه‌اش موجود بوده اجازه می‌دهد به نوه‌ی خودش ، نوه‌ی خودش هم دو ساله بوده است آن وقت بعد می‌گوید کتاب فلان ، کتاب فلان ، همین طور اجازه می‌دهد ، کتاب ابن ابی عمیرش شش جلد است کتاب فلان ، کتاب‌هایی که در کتاب‌خانه‌اش بوده است .**

**این فهرست اسمش را من گذاشتم این ابو غالب زراری در اختیار شیخ و نجاشی بوده و توسط شیخ مفید و دیگران نقل کردند یعنی عده‌ای از مشایخ بغداد از ابو غالب زراری این را نقل کردند و انصافا کتاب بسیار نافعی است خیلی نکات لطیف و ظریف و قشنگی دارد با اینکه چاپ کردند دو چاپ به نظرم هنوز ظرافت‌هایش به حساب ،**

**حسین بن عبید الله الغضائری هم یک مستدرکی دارد آن هم چاپ کردند با آن ، به هر حال کتابی است که یا ابن نوح است نمی‌دانم حسین بن عدة ابن نوح یک مستدرکی هم برش دارد که با آن چاپ کردند که آن هم کتاب بسیار نافعی است این طریق اول ایشان به فهرست ابو غالب زراری بفرمایید .**

**یکی از حضار : ابو غالب را اولین مجیز حساب بکنیم اجازه ،**

**آیت الله مددی : به این مشایخ بغداد چون ایشان درکش نکرده است شیخ و نجاشی ، سیصد و پنجاه و خورده‌ای سیصد و شصت است.**

**یکی از حضار : به نوه‌اش دیگر جزو اجازات و این را اجازات حساب بکنیم ؟**

**آیت الله مددی : بله به کوچک‌تر هم اجازه می‌دادند به یک ماهه هم اجازه می‌دادند ، در دادن اجازه سن شرط نبود وقتی که می‌خواست خبر بدهد باید بالغ باشد اصطلاحشان این بود و لذا قرب اسناد از اینجا درست می‌شد کسانی که پدرانشان جزو شخصیات‌ بودند بچه‌ی یک ماهه را می‌برد نزد یک شیخ مثلا نود ساله یک اجازه از او می‌گرفت بعد این می‌شد هشتاد ساله ، صد و هفتاد سال را طی می‌کرد آن وقت اینها اواخر حیاتشان غالبا قرب اسناد می‌نوشتند این قرب اسناد برای این است اصلا تشکیل قرب اسناد از این راه است .**

**یکی از حضار : سه طبقه می‌شود یک طبقه**

**آیت الله مددی : سه طبقه چهار طبقه می‌شود یک طبقه .**

**یکی از حضار : صد و هشتاد سال را یک نفر نقل می‌کند .**

**آیت الله مددی : خوب من الان قصه‌ی همین آقای آخوند و اینها را نقل کردم برای شما آقای مرعشی برای من ، من از ایشان شنیدم سال هزار و سیصد و بیست و هفت الان صد و هجده سال قبل است .**

**یکی از حضار : آقای مرعشی خودشان از آخوند شنیده بودند .**

**آیت الله مددی : آقای مرعشی خودش حاضر بود گفت من آنجا بودم آخوند خود ایشان به من گفت، گفت من با پدرم رفتم گفت من سیزده یا چهارده ساله بودم چند بار نقل کرد لکن من عرض کردم ظاهرا دوازده ساله بوده چون درشت بوده هیکلش چون ایشان متولد پانزده است ایشان خودشان متولد پانزده هزار و سیصد و بیست و هفت دوازده ساله باید باشد نه سیزده و چهارده ساله ، ایشان من از خودشان شنیدم گفتم سیزده ، چهارده ساله با پدرم رفتم آنجا .**

**یکی از حضار : من شنیدم ایشان گفتند که درس آخوند رفتم درسش هم وقف بود**

**آیت الله مددی : نه به من گفت رفتیم آنجا و طلبه‌ها آمده بودند و به آخوند حمله می‌کردند که شما دستور اعدام دادید اعدام شیخ فضل الله ایشان بعد از اعدام شیخ فضل الله گفت رفتیم آنجا و می‌گفت هنوز قیافه‌ی آخوند در چشم من است که آخوند به شدت نفی می‌کرد می‌گفت من نه همچین حرفی این برای صد و هفده سال قبل است من در زمان جوانی از آقای مرعشی شنیدم ایشان هم در زمان دوازده سالگی خودش دیده است دقت کردید بنده شاید بیست و یکی دو سالم بود که از آقای بجنوردی شنیدم حدود هشتاد سالشان بود ایشان فرمودند من حدود بیست ساله بودم از ادیب ، ادیب اول شنیدم ایشان هم حدود هشتاد سالشان بود ادیب می‌گفت من حدود بیست ساله بودم از پدرم شنیدم که حدود هشتاد سالش بود این حدیث مسلسل به هشتاد که من یک قهوه خانه داشتم به نظرم در همان قوچان همان نیشابور و اینها و یک شب یک مردی آمد خیلی تنومند و اینها آمد داخل قهوه خانه گفت چه داری گفتم گردو گفت بیاور مثلا گردو را می‌اندخت در آتش داغ که می‌شد می‌شکست و می‌خورد با نان و اینها گفت جای من را بیرون پهن کن حالا سرد هم بود بیرون قهوه خانه جایش را پهن کردم خوابید صبح که بلند شد یک چیزی خورد مثلا سوار اسب شد بعد گفت که من از این طرف می‌روم اگر لشکر آمد بگوییم نادر از این طرف رفت . گفت منم افتادم فهمیدم این نادر شاه است یک شب نزد من مانده این نادر شاه است . خوب من این قصه را با سه واسطه نقل می‌کند با زمان ما ، نادر خودش قیامش هزار و صد و چهل هشت است ، سیزده سال بعد از هجوم افغانی‌ها ، افغانی‌ها را او بیرون کرد دیگر از ایران هزار و صد و سی و پنج افغانی‌ها به ایران حمله کردند نادر هزار و صد و چهل و هشت سیزده سال بعد اینها را ریخت بیرون بعد دنبالشان کرد رها نکرد رفت تا هند سر از هند در آورد تا دهلی رفت برای اینکه ریشه‌ی اینها را به اصطلاح دیگر کاری کند که اینها دیگر اصلا برنگردند رفت همین جور تا دهلی البته در دهلی کشتار بدی کرد انصافا دستور قتل عام داد یعنی بچه و کوچک و بزرگ و طفل شیرخوار و زن و مرد و همه را کشتند یعنی به او خبر دادند صبح بود که هندی‌ها علیه سربازان شما قیام کردند و سربازان شما را می‌کشند عصبانی شد گفت قتل عام بکنید هر کسی را رسید بکشید ، در کوچه خیابان هر چه بود بکشید زن مرد بچه کوچک تا نزدیک بعد از ظهر برداشت قتل را برداشت این یکی از نقاط بد تاریخ نادر است که به حساب دستور قتل عام داد البته می‌دانید چند هزار کیلومتر با ایران فاصله دارد یک کوتاهی کوچک می‌کرد تمام اوضاع ایران به هم ریخته بود دیگر انصافا ، جنگ مشکلات این طوری هم دارد انصافا بینی و بین الله .**

**به هر حال این قرب اسناد را می‌خواهم بگویم که سر قرب اسناد این است اصلا این طوری قرب اسناد پیدا می‌شده است . علی ای حال یکی‌اش این است ایشان از چه کسی نقل می‌کند بفرمایید ؟ ایشان از علی بن حسین سعد آبادی هم به نظرم نقل می‌کند از ابن همام هم نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : عرض کردم حدثنا مودبی علی بن حسین**

**آیت الله مددی : اها سعد آبادی ، این مودب یعنی آموزگار ادبیات ، این مودب حدثنا مودبی همین علی بن حسین سعد آبادی لکن این مشکل علی بن حسین سعد آبادی این است که انفراد دارد یک چیزهایی از بقیه نقل می‌کند چون مثل اینکه خیلی فقط در خدمت برقی بوده با کسی دیگری نبوده است .**

**یکی از حضار : مُکّتِب هم به معنای مودب به کار می‌رفته ؟**

**آیت الله مددی : مکتب هم همان مودب است مکتب داشته است به اصطلاح ، به قول ما می‌گوییم مُکّتِب کتابت نوشتن یاد می‌داده آموزگار کتابت و اینها بوده نوشتن ، نوشتن یاد می‌داده این هم مُکّتِب معنایش همین مودب است ، می‌گویم ایشان از علی بن حسین سعد آبادی نقل می‌کند کلینی هم از ایشان نقل می‌کند علی بن حسین سعد آبادی بفرمایید .**

**یکی از حضار : حدثنا احمد بن ابی عبدالله**

**آیت الله مددی : اما این درش طبقات الرجال نیست چون شیخ طوسی می‌گوید زاد ابن بطة در این طریق‌ها در این چهار تا طریق طبقات الرجال نبوده است . آن وقت این را اگر بخواهد درش شبهه‌ای بشود به خاطر همین علی بن حسین است که توثیق واضحی ندارد اگر بخواهد شبهه‌ای در این اجازه بشود و اشکال دیگر هم اشکال فنی ماست که اشکال فهرستی است که ایشان چیزهایی نقل می‌کند که دیگران نقل نکردند از این که مرحوم شیخ طوسی سندها را مکرر می‌گوید معلوم می‌شود این جاهایی را نقل کرده که متفق علیه بوده یعنی انفرادش نبوده است چون از این نقل می‌کند از دیگران هم نقل می‌کند نمی‌گوید نسخه‌ی این با آن فرق داشته است اختلاف نسخ را بیان نمی‌کند بفرمایید. و حدثنا**

**یکی از حضار : و اخبرنا هولاء الثلاثة عن الحسن بن حمزة العلوی .**

**آیت الله مددی : این حسن بن حمزه علوی هم توضیح دادیم از مراعشه است از سادات مرعشی‌هاست از شمال ، این یکی از سلسله‌ی یکی از وسایط نقل میراث قمی‌ها برای بغداد است چون در ایران بوده یک سفری سیصد و پنجاه یا پنجاه و دو است ایشان به بغداد می‌آید مشایخ بغداد شیخ مفید و همین ابن عبدون و اینها از او نقل می‌کنند ، نقل می‌کنند مصادر قم را ، که یکی هم کتاب خود ابن بطه است مرحوم نجاشی از این طریق نقل می‌کند کتاب ابن بطه را این مشایخ ثلاثه نجاشی هم از اینها نقل می‌کند این سند خوب است این سند هیچ مشکلی ندارد اما خود ایشان از چه کسی نقل می‌کند بعدش ؟ حسن بن حمزه از خود احمد ؟**

**یکی از حضار : نوه‌ی برقی**

**آیت الله مددی : اها این نوه‌ی برقی واضح نیست ، خاندان به اصطلاح ما این را توضیح دادیم اینها چون خاندان علمی بودند یک چیز شاید در حدود صد سال دویست سال نوه‌ها یک چیزهایی بین خودشان داشتند اینها جزو مشایخ رسمی نیستند خود مرحوم صدوق یک مقداری آثار برقی را از این راه نقل می‌کند احمد بن عبدالله بن فلان بن فلان عن ابیه عن جده اینها خاندان برقی هستند این خاندان اینها توثیق ندارند دقت کردید لکن یک سیره‌ی عقلایی هست متعارف است می‌گویند آقا این مثلا خانواده‌ی فیض کاشانی است این خانواده‌ی فلان است اینها آثاری است که از جدشان به آنها رسیده پدرشان نقل کردند اینها را اینجوری یعنی اعتمادش روشن شد ؟ نکته این است که ایشان مستقیما از برقی نقل نمی‌کند از نوه‌ی برقی نقل می‌کند که توثیق ندارد اگر بخواهیم توثیق را حساب کنیم که ندارد ، حالا یک اصطلاحی دارند عرض کردم این توثیق عام تا آنجایی که من چون اینها خیلی چیز است همه را تاریخش را می‌گوییم برای اینکه اشتباه نشود از قرن دهم توسط شیخ شهید ثانی وارد مباحث رجالی ما شد ، که اگر کسی شیخ اجازه باشد این توثیق نمی‌خواهد به اصطلاح مشایخ الاجازه مستغنون عن التوثیق .**

**مثل مراجع ، کسی راجع به مراجع نمی‌گوید ثقة آقای به عنوان مرجع که بین شیعه معروف شد دیگر توثیق نمی‌خواهد بیاییم بگوییم ثقة فلان وثقه این دیگر توثیق نمی‌خواهد آن وقت حسن بن حمزه چون مرد بزرگواری است از ایشان نقل کرده است خود همین نقل کفایت بکند دقت کردید ؟ و الا ایشان توثیق صریحی خود این مرحوم ندارد این که ایشان اسمش را برد استاد حسن بن حمزه ندارد بفرمایید آقا . پس این طریق سوم هم نق نقی درش دارد یعنی مشکلی درش دارد به خاطر این وجود نوه‌ی برقی بفرمایید .**

**یکی از حضار : و اخبرنا هؤلاء الا الشیخ ابا عبدالله و غیرهم عن ابی المفضل الشیبانی**

**آیت الله مددی : این ابو المفضل که اشکالش بیشتر است .**

**یکی از حضار : عن احمد بن جعفر بن بطة عن احمد بن ابی عبدالله**

**آیت الله مددی : این تازه خودش هم ابن بطة هم مشکل دارد آن وقت یعنی چهار طریقی که شیخ آورده است متاسفانه تمام این طور طریق آخر هم دارد دیگر یا همین چهار تاست .**

**یکی از حضار : واخبرنا به ابن ابی جید عن محمد بن حسن بن علی عن سعد بن عبدالله**

**آیت الله مددی : این طریقش خوب است ، این نسخه‌ی ابن الولید است فهرست ابن الولید است ، البته ابن ابی جید توثیق خاص ندارد لکن چون استاد نجاشی هم هست استاد شیخ هم هست و هر دو بزرگوار بر فهرست ابن الولید به نسخه‌ی ایشان اعتماد کردند انصافا قابل اعتماد است ابن ابی جید این بهترین نسخه‌ای است که ما الان داریم این است الان ، نسخه‌ای که از آثار برقی نزد شیخ هست این است آن وقت هم شیخ تصریح می‌کند ابن بطة طبقات الرجال را اضافه کرده است این برای ایشان است تمام شد ؟**

**یکی از حضار : بله .**

**آیت الله مددی : خوب برویم باز عبارت نجاشی را بخوانیم .**

**پس معلوم شد در آن طریق چهار تا طریقی که شیخ نقل کرده مگر بگوید و زاد ابن بطة همان طریق سوم هم درش باشد در این سه تا طریقش مطمئن است همان طریق ابن الولید نه رجال هست نه طبقات هست نه طبقات الرجال هست . این که علیرضا می‌گوید ما راجع به اعتبار سنجی صحبت بکنیم روشن شد ؟ وقتی مبدائش را شناختیم تحلیل کردیم دیگر می‌توانیم تصمیم بگیریم دیگر . دیگر جای تعبد نداریم می‌دانیم این است اعتمادشان این را مرحوم شیخ طوسی دارد این را توضیح می‌دهد که آقا فقط در نسخه‌ی ابن بطة طبقات الرجال هست و این را هم ندیم معلوم شد در بغداد هم بوده یعنی این کتاب عملا در خارج چاپ شده به اصطلاح طبقات الرجال .**

**حالا بیاییم نجاشی رحمه الله ، نجاشی دو کتاب نسبت می‌دهد کتاب الطبقات و کتاب الرجال دقت فرمودید ؟ دو کتاب دیدید با آن فرق کرد کلا بفرمایید .**

**یکی از حضار : وکان ثقة فی نفسه یروی عن الضعفاء واعتمد المراسیل وصنف کتبا منها المحاسن**

**آیت الله مددی : البته این هست که این و اعتمد المراسیل این منشاء این می‌شود که افراد روی روایات او تامل بکنند یعنی این طور نیست که مثلا بگوید ثقة فی نفسه ما قبول بکنیم نه قبول به لحاظ خودش به لحاظ راوی قبول می‌کنیم اما چون مراسیل را اعتماد می‌کند و یک مقدار مراد از مراسیل یعنی به نحو وجاده یعنی دیده کتاب را برداشته نقل کرده معلوم می‌شود باید در نقل‌های او تامل کرد درست است یعنی مثلا فرض کنید از یک کسی نقل می‌کند که نمی‌خورد به او خوب احتمالا از کتابش باشد وجاده باشد . لذا خود این هم که اعتمد المراسیل، خودش هم یک نوع تضعیف است این معنایش این نیست که توثیق است .**

**یعنی بعبارة اخری حالا اگر بخواهیم خیلی تامل بکنیم گفت ملا نقطی صحبت کنیم رجالیا توثیق شده اما فهرستیا چیزهایی که نقل می‌کند باید رویش تامل کرد مصادرش خیلی واضح نیست مصادری که نقل می‌کند مصادر دقیقی نیست باید رویش تامل کرد که قبول بکنیم یا نکنیم بفرمایید .**

**یکی از حضار : چرا مراسیل را مترادف با وجاده گرفتید اعم از وجاده است**

**آیت الله مددی : اعم از وجاده هم هست اما آن در جایی که مثلا واسطه با ایهام بوده عن بعض اصحاب خوب ذکر شده اما وقتی می‌گوید عن فلان و این الانش هم این مشکل داریم یعنی الان بعضی از نسخ کتاب محاسن چون نمی‌خواستم الان این مطلب را شرح بدهم حالا اگر یک وقتی شرحش را دادیم . مثلا این حدیث را از یک نفر نقل می‌کند همین حدیث با همین سند در کتاب دیگر آمده از همین برقی این واسطه‌ی این شخصی که در وسط هست ضعیف است اسم این برداشته شده است ، سند را که نگاه می‌کنند خیال می‌کنند صحیح است الان این یکی از کارهای خیلی سنگین است الان دیگر نمی‌خواهم ، تقریبا جزو رموز فن است . این یکی از کارهای خیلی**

**یکی از حضار : هر کسی هم متوجه نمی‌شود .**

**آیت الله مددی : بله ، خیلی اصلا نه نوشتند نه به ذهنشان خطور نکرده که بخواهند متوجه بشوند که چه کارش بکنند .**

**اما به هر حال این هم یکی از رموز فن است فقط اشاره کردم اگر اوقاتی وقتی مناسبی دیدیم آن را توضیحاتش را عرض می‌کنیم . به هر حال مشکل دارد آن وقت مثلا این شخص چون مرحوم صدوق گاه گاهی از محمد بن علی مثلا صیرفی نقل می‌کند خیلی کذاب است اشهر الکذابین است آن وقت محمد بن علی صیرفی خودش تالیف ندارد خودش روایت ندارد مثلا کتاب جمیل را نقل کرده من باب مثال کتاب حسن بن محبوب را نقل کرده است آن وقت مثلا در محاسن آمده که برقی عن حسن بن محبوب اسم محمد بن علی افتاده است .**

**یک احتمال دارد همان نسخه‌ی محمد بن علی است خوب آن ضعیف می‌شود یک احتمال دارد به نحو وجاده باشد چون از او اگر نقل نکرد برمی‌گردد به نحو وجاده عرض کردم کتاب محاسن برقی را یک وقتی ما آمدیم نشستیم یک کمی نگاه بکنیم که بشود درستش بکنیم دیدیم نه خیلی خرابی‌اش زیاد است در اسانید و اینها خرابی‌اش زیاد است خیلی باید چیز بشود کار فنی زیادی می‌خواهد انصافا کار سختی است بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : یعنی اعتماد به مراسیل درست گفته است**

**آیت الله مددی : آها درست است انصافا بفرمایید . به هر حال در روایات برقی باید به اصطلاح عرفی ما یک نیش ترمزی زد یک توقفی کرد که روشن بشود بعضی از روایاتش روشن بشود ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : و صنف کتبا منها المحاسن وغیرها و قد زید فی المحاسن ونقص**

**آیت الله مددی : روشن شد ؟ درست این مطلب ایشان هم درست است همان که شیخ معروف کرد ، بله آقا . گفته شده عرض کردم چند دفعه نمی‌دانم در این بحث هم تا حالا من همین طوری افواهی شنیدم که آقای بروجردی می‌فرمودند که فهرست نجاشی به منزله‌ی حاشیه است بر فهرست شیخ از اینکه نجاشی بعد از شیخ است و کتاب‌های شیخ را دیده و نقل کرده این جای شک نیست اما اینکه فهرست باشد نمی‌دانم و سند روشنی هم به این مطلب ندارم اما بعید نیست اگر این مطلب درست باشد در اینجا نجاشی کلام شیخ را تایید کرده است یعنی می‌خواهد درست گفته شیخ مطلب را درست گفته است .**

**به هر حال با مراجعه‌ی وجدانی نمی‌خواهد بگوید قال زید قال عمرو چه گفته من کار به آنهایش ندارم با مراجعه‌ی وجدانی نجاشی خیلی حدیث شناس بزرگی است مرد فوق العاده‌ای است در شناخت حدیث و اینها انصافا در شناخت کتاب و مصادر حدیث خیلی فوق العاده است و در قواعد تحدیث خیلی مقید است فوق العاده مقید است فوق العاده . نسبت به مرحوم شیخ که مثلا تقریبا تمایل به حجیت تعبدی دارد فرقش خیلی زیاد است بفرمایید .**

**یکی از حضار : و قد زید فی المحاسن و نقص کتاب التبلیغ و الرسالة ، اینجا این جوری چاپ شده قبلش ندارد که اینها چیستند کتاب ا التعاطف و التراحم همین طور اسم می‌برد .**

**آیت الله مددی : کتاب الطبقات بعد آخرش هم کتاب**

**یکی از حضار : اینجا**

**آیت الله مددی : یا رجال را اول اسم می‌برد .**

**یکی از حضار : اول رجال است کتب مساجد الاربعه ببخشید کتاب الطبقات ، کتاب الطب ، کتاب الطبقات ، کتاب افاضل الاعمال ، کتاب اخص الاعمال ، کتاب مساجد الاربعه ، کتاب الرجال .**

**آیت الله مددی : ایشان نجاشی دیگر طبقات الرجال اسم نمی‌برد ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد می‌آید جلو تر و کتاب الشعر و الشعراء هم دارد که حالا در مورد اسماء شعراست بعد کتاب الاوائل ، کتاب التاریخ ، کتاب الانساب ، بعد اسم می‌برد که تمام می‌شود ، کتاب الروایة ، کتاب النوادر ، هذا الفهرست الذی ذکره محمد بن جعفر**

**آیت الله مددی : برگشت به ابن بطة‌ی قمی یعنی نوشت هذا الفهرست الذی ذکره ابن بطة اما عجیب است شیخ می‌گوید طبقات الرجال ایشان می‌گوید طبقات و رجال .**

**یکی از حضار : بعد فاصله هم می‌دهد .**

**یکی از حضار : بعد ایشان اضافه را از غیر ابن بطة نقل می‌کند و اذ ذکر بعض اصحابنا ان له کتبا و اخر یا آخر منها کتاب التهانی کتاب التعازی کتاب اخبار الامم که اینها را شیخ در ذیل محاسن گفته است .**

**آیت الله مددی : خوب**

**یکی از حضار : و اخبرنا بجمیع کتبه الحسین بن عبید الله**

**آیت الله مددی : استادش است ابن غضائری**

**یکی از حضار : همان طریق است مودب سعد آبادی**

**آیت الله مددی : عن ابی غالب عن السعد آبادی**

**یکی از حضار : حدثنا احمد بن محمد ابو غالب الزراری قال حدثنا مودبی علی بن حسین سعد آبادی ابوالحسن قمی قال حدثنا احمد بن ابی عبدالله بها**

**آیت الله مددی : خوب چرا ابن بطة را باز اسم نبرد ؟ خیلی عجیب است طریق ابن بطة را اسم نمی‌برد .**

**یکی از حضار : فقط همین طریق را دارد .**

**آیت الله مددی : این نکته‌اش حالا نمی‌دانیم حالا همه‌ی مطالبش را ،**

**اجمالا این است که عرض کردیم مرحوم شیخ طوسی راجع به ابن بطة هیچ چیزی نگفته اصلا کلا ساکت است ، اما از او زیاد نقل کرده من یک وقتی نگاه کردم دیدم فهرستی را که این فهرست اسپرینگر چاپ کرده است در آخرش فهرستی را که اضافه کردند به نظرم صد و پنجاه مورد هست که ایشان از ابن بطة نقل می‌کند مرحوم شیخ طوسی رحمة الله علیه و نجاشی عجیب است نجاشی اصولا یکنواخت نقل نمی‌کند یک جاهایی روی ابن بطة اعتماد دارد یک جاهایی می‌گوید قال ابن بطة حدثنا ، گاهی می‌گوید قال ابن بطة فقط ساکت می‌شود یک جاهایی می‌گوید قال ابوالمفضل قال ابن بطة حدثنا ابن بطة خیلی متغییر است نجاشی همین فهرست ابن بطة را که ایشان نقل می‌کند خیلی متغیر است .**

**این فهرستی را هم که ایشان الان نقل می‌کند می‌گوید در فهرست عادتا باید بگوییم همان طریقی داشته که نجاشی بوده است حالا دیگر وارد بحث شدیم بحث را چیزش بکنیم شما محمد بن جعفر بن بطة را هم بیاورید یک کمی هم توضیح عبارت نجاشی را بدهیم .**

**یکی از حضار : کلا در این چاپی که الان شده اسم ابن بطة سیصد و پنجاه و سه بار به اسم ابن بطة آمده حالا به اسم محمد بن جعفر ممکن است آمده باشد اینها ذیلش گفته طرق فقط یک جایش که شاید چیز باشد دارد که**

**آیت الله مددی : ابن بطة به عنوان ابن بطة آورده نجاشی ؟**

**یکی از حضار : نه فهرست شیخ طوسی را عرض کردم .**

**آیت الله مددی : شیخ طوسی به عنوان ابن بطة آورده است ؟**

**یکی از حضار : در طرقی که آورده که مثلا به کتاب‌ها زیاد اسم ابن بطة را آورده است .**

**آیت الله مددی : می‌دانم چند مورد است ؟**

**یکی از حضار : به اسم ابن بطة 353 بار اسم تکرار شده است .**

**آیت الله مددی : آها من 150 خیال کردم . خیلی زیاد است انصافا مرحوم شیخ طوسی خیلی زیاد من اشتباه کردم 350 می‌گویم روی آن فهرست حالا اشتباه در آن ، من در شمردن چون پشت سر هم آورده شمردم با دست با انگشت شمردم .**

**علی ای حال انصافا زیاد از او نقل می‌کند نجاشی ابن بطة را بیاورید حالا چون فعلا وارد بحث شدیم چون یکی از فهارسی که در شیعه تاثیر گذار است قطعا به خاطر اینکه شیخ این کار را کرده است فهرست ابن بطة است نمی‌شود انکار کرد حالا یک صحبتی هم راجع به این فهرست بکنیم چون بحث‌های ما شاید بعدها برسد و راجع به ابن بطة باید مستقلا خیلی صحبت نکنیم . بگویید آقا محمد بن جعفر .**

**اینکه می‌گوید ذکره بهذا الفهرست یعنی همان طریقی که ایشان به ابن بطة دارد و این نکته را هم هنوز ما نتوانستیم حل بکنیم نجاشی از فهرست ابن بطة یک مطلبی نقل می‌کند شیخ هم نقل می‌کند از همان مصدر این حل نشد برای ما ، همین جا هم الان دیدیدم شیخ می‌گوید گفته طبقات الرجال نجاشی می‌گوید طبقات و رجال**

**یکی از حضار : اگر به همین یک واو باشد قابل حل است .**

**یکی از حضار : نه دیگر به واو نبود فاصله داشتند .**

**آیت الله مددی : سه تا کتاب فاصله بود . کتاب الطهارة ، کتاب ، کتاب ، کتاب الرجال . خوب موارد دیگر مثال هم می‌زنم عرض می‌کنم حالا نمی‌خواستیم وارد بشویم چند مورد دیگر مثال بزنیم ، بفرمایید آقا . آن وقت این اعتبار سنجی‌ها از این جا روشن می‌شود آن وقت اگر بنا بشود که علیرضا می‌گوید ، یعنی ما اگر بدانیم مرحوم نجاشی یک نسخه‌ی صحیحی لا اقل از نسخه‌ی**

**چون ابن بطة دو تا مشکل دارد یک مشکل خودش فی نفسه ضعف دارد کتابش مشکل دارد یک مشکل هم نسخه‌ی اوست نسخه‌ای که دارد مرحوم شیخ طوسی نسخه‌ی ابو المفضل دارد که نجاشی قبول نکرده مرحوم نجاشی نسخه‌ی حسن بن حمزه‌ی طبری مرعشی را دارد که از اجلاء اصحاب است این را ما توضیح می‌دهیم ان شاء الله یعنی در مورد ابن بطة یکی خود کتاب است یکی نسخه است مثلا بگوییم رجال کشی چاپ نجف رجال کشی چاپ هند یکی هم سر خود نسخه است مرحوم شیخ نسخه‌ای که دارد از طریق ابو المفضل که الان من یک توضیحی هم راجع به این نسخه هم عرض می‌کنم اما نسخه‌ی نجاشی صحیح است و این نسخه‌ی ابو المفضل در اختیار نجاشی هم بوده گاهی هم از آن نقل می‌کند اما روی آن اعتماد نکرده است .**

**دیگر بنا بود اینها را در فهرست ابن بطة شرح بدهیم حالا یک کمی همین جا یک مختصری چون توضیحات مفصلش را بعد ان شاء الله در شرح کتاب نجاشی عرض می‌کنم . بخوانید عبارت مرحوم نجاشی چون عین عبارات ، من همیشه عرض کردم این از الان می‌خواهیم عادت بدهیم عبارات نجاشی خیلی نجاشی هر کلمه‌ای را با دقت به کار می‌برد دقت کنید کلمه کلمه با دقت و با ظرافت خاصی به کار می‌برد شیخ این جور نیست یعنی کتاب نجاشی اضافه‌ی بر دقت بر مطالب متن ادبی علمی دارد یک متنی است که در آن زمان در بغداد در قرن پنجم به عنوان یک متن خیلی برجسته‌ی علمی متن علمی خیلی قوی متن ادبی علمی قوی دارد اصلا متن ایشان یک متن مخصوصی است و لذا هم تعقیداتی دارد گرفتاری‌هایی دارد نکاتی دارد ظرافت‌هایی دارد و تعقیداتی . بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : مدخل 1019 محمد بن جعفر بن احمد بن بطة مودب ابو جعفر القمی**

**آیت الله مددی : مودب یعنی اهل ادب بوده است عرض کردیم اهل ادبیات و آموزش صرف و نحو و اینها واضح شد بفرمایید .**

**یکی از حضار : کان کبیر المنزلة قم کثیر**

**آیت الله مددی : این کبیر المنزلة ظاهرا مراد منزلت اجتماعی باشد یعنی اضافه‌ی بر جهات علمی اصلا در قم شخصیتی بود شخصیت ، البته منزله یک امر اعتباری است اما ظاهرا کبیر المنزلة در قم خیلی عنوان داشت یک شخصیت اجتماعی بزرگی در قم داشت که به او به چشم احترام نگاه می‌کردند و شاید سر این که این کتابش با این اغلاطی که داشته جا افتاده به خاطر آن عظمت اجتماعی‌اش بوده آن نکات اجتماعی‌اش بوده که پوشانده بقیه‌ی عیوبش را پوشانده بفرمایید .**

**یکی از حضار : کثیر الادب و الفضل والعلم**

**آیت الله مددی : ببینید چقدر تعبیرش زیباست کثیر الادب یعنی در علوم ادب در نحو و بلاغت و ... بسیار متخصص بوده وارد بوده ، فضل اصطلاحا در اصطلاح متدینین یعنی تاریخ و این جور چیزها چون حضرت می‌فرمایند انما العلم ثلاثة آیات محکمة و ما خلاهن فهو یعنی تاریخ و تراجم و اینها را ، ببینید کثیر الادب و الفضل والعلم مراد از علم در اینجا یعنی مطالب علمی که مبتنی است بر تفکر که عادتا در آن زمان مثل فلسفه و کلام و اصول فقه یعنی ببینید کلمه کلمه باید معنا کنیم .**

**یکی از حضار : شامل حدیث نمی‌شده است ؟**

**آیت الله مددی : نه ، حدیث جدا بوده است .**

**کثیر الادب والفضل والعلم هر کدام یک معنا من عمدا گفتم که می‌خواهم معلوم بشود این مرد مرحوم نجاشی این قلم سنگین بسیار علمی در علوم ادب در تواریخ و تراجم و اینها ، اینها را اصطلاحا فضل می‌گفتند به خاطر همان احترام حدیث ما خلاهن . علم هم اصطلاحا مطالب علمی یعنی نه اینکه حدیثی باشد قواعدی را اعمال قواعد که شامل مثل فلسفه ، البته فلسفه ، کلام و اصول فقه .**

**یعنی ایشان در مسائل علمی مثل اصول و فقه و کلام هم کثیر نه اینکه وارد بوده است . کاملا مسلط بر این سه مرحله بوده ، ادب ، فضل و علم کثیر الادب والفضل والعلم بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : وتساهل فی الحدیث**

**آیت الله مددی : در حدیث متساهل ، در ادب ، خیلی عجیب است ها آن وقت تساهلش در حدیث چه بود چون ما گاه گاهی عرض کردیم مثلا فلانی تساهل در حدیث در متن است گاهی تساهلش در حدیث در مصادر است دقیق نقل نمی‌کند مثلا از مصادر معتبر نقل نمی‌کند این تساهلش در حدیث چه بوده تساهلش در حدیث مراعات قواعد تحدیث را نکرده است . بعد می‌گوید یتساهل فی الحدیث آن تساهلش را توضیح می‌دهد یعلق الـ بخوانید .**

**یکی از حضار : فی الاسانید والاجازات**

**آیت الله مددی : این خیلی کار مشکلی است .**

**یکی از حضار : وفی فهرست ما رواه غلط کثیر**

**آیت الله مددی : اسانید گفتیم اسانید حدیث است اجازات برای کتب است جامعشان طریق است طریق به روایت را سند می‌گوییم طریق را به کتاب اجازه می‌گوییم ، دقت کردید ؟ مثلا فهمیده بوده که فرض کنید مثلا جمیل بن دراج کتاب دارد یک روایتی دید حدثنی مثلا احمد بن محمد بن عیسی عن حسن بن محبوب عن جمیل ایشان می‌آمد ، این روایت است در کافی است این روایت را برمی‌داشت می‌گفت جمیل له کتاب اخبرنا به احمد بن محمد بن عیسی عن حسن بن محبوب عن جمیل ، سند را برداشت و خیلی مشکل است .**

**دقت کردید چه می‌خواهم بگویم چون این عبارت واضح نبود تساهلش در حدیث در قواعد تحدیث است ، و لذا الان ممکن است بعضی از غربی‌ها عبارت را ببینید بگویند آقا این اصلا فهرست ابن بطه قابل اعتماد نیست کلا 350 مورد کتاب در کتاب فهرست شیخ از دور خارج می‌شود . اما نجاشی می‌گوید غلط کثیر درست است اما درست هم دارد این طور نیست که همه‌اش غلط باشد نگفتم کل کتاب غلط است . روشن شد ؟ ایشان می‌گوید در ادب و در فضل و در علم خوب در منزلت اجتماعی خوب اما در قواعد تحدیث ضعیف است . چون عبارت درست تا حالا به نظر من معنا نشده گفتم امشب بالخصوص بخواند و**

**یکی از حضار : بعید نیست که غلط‌هایش را نجاشی نقل کند یعنی آن جایی که نقل کرده**

**آیت الله مددی : ها لذا نجاشی احتمالا دیده شیخ طوسی از او نقل می‌کند آن ها را گفته غلط است آن ها را نقل نکرده است جاهایی که نجاشی انتخاب کرده درست‌ها بوده است . دقت کردید ؟ روشن شد ؟ پس ایشان 5 نکته‌ی حالات ایشان را بیان فرمودند منزلت اجتماعی خوب ، در ادب خوب کثیر ، در فضل خوب در علم خوب در حدیث متساهل چون علم شامل حدیث می‌شود ، روشن شد ؟ و کان یتساهل فی الحدیث ویعلق الاسانید بالاجازات ، یا اگر یک مثلا این یک دو تا جور تعلیق می‌شود یا مثلا یک طریق به کتاب جمیل دارد یک حدیث در یک جا مرسل بوده روی جمیل سند خودش را به کتاب جمیل به این اضافه می‌کرد . دقت کردید چه می‌خواهم بگویم ؟ حالا به این حدیث خیلی مشکل شد ملتفت شدید این حدیث به نحو وجاده است در یک ورقه‌ای به او رسیده است روی جمیل آن وقت ایشان کتاب جمیل را اجازه داشته از مشایخش به جمیل آن سند را برمی‌داشت به این می‌چسباند می‌کردش سند روایت .**

**یکی از حضار : چون معلوم نیست آن حدیث در این بوده است .**

**آیت الله مددی : قطعا نبوده نه اینکه معلوم نیست ، روشن شد می‌خواهم چه بگویم .**

**یکی از حضار : پس بعدی را هم بخوانم**

**آیت الله مددی : حالا سعد بن عبدالله دارد**

**یکی از حضار : وقال ابن الولید محمد بن جعفر بن بطة ضعیف مخلطا فی ما یسنده**

**آیت الله مددی : ببینید کان ضعیفا مخلطا فی ما یسنده ، ایشان تخلیط گرفته نجاشی توضیح ، حالا ببینید یعلق را بخوانید یعلق**

**یکی از حضار : یعلق الاسانید بالاجازات وفی فهرست ما رواه غلط کثیر**

**آیت الله مددی : اینجا معلوم می‌شود که اسانید را به اجازات پس دو جور شد ، یعلق الاجازات بالاسانید ، یعلق الاسانید بالاجازات . یعنی مثلا یک روایتی می‌دید که مثلا کلینی از جمیل نقل کرده درش علی بن حدید است مثلا فرض کنید ضعیف است می‌آمد این سندی که در کتاب کلینی است برمی‌داشت آن طریق عامی که بر جمیل داشت اضافه می‌کرد به آن می‌گذاشت آنجا . روشن شد چه می‌خواهم بگویم؟ میان بر نه اصلا عوض می‌کرد . این الان در حوزه‌های ما متاسفانه به نظریة التعویض معروف شده است .**

**یکی از حضار : تعویض سند .**

**آیت الله مددی : و این را یک وقتی گفتند آقای خوئی در درس قبول داشته است ما از وقتی که رفتیم درس ایشان که نشنیدیم مثل اینکه آقای سید محمد باقر صدر شنیده که ایشان در حدیث رفع دارد آنجا هم دارد و هذه طریقة آن جا این طوری است که مرحوم صدوق از احمد بن محمد بن یحیی عطار از سعد نقل کرده خوب این احمد توثیق نشده است ، ایشان می‌گوید چون صدوق طریق دارد به سعد مثلا از طریق پدرش احمد را برمی‌داریم به جایش پدرش را می‌گذاریم سند درست می‌شود بعد نوشته و هذه طریقة حسنة لتصحیح طائفة من الروایات با این تدلیس و البته دیدم بعضی از آقایان از همین حاشیه زدند که این راه درست نیست یعنی چه طریقة الان مشهور شده در حوزه‌های ما متاسفانه .**

**اولا تعویض اصطلاح من در آوردی است برای اهل فن نیست این اسمش تعلیق الاجازات بالاسانید و تعلیق الاسانید بالاجازات این اسم فنی‌اش این است . این کلمه‌ی تعویض .**

**یکی از حضار : رساله‌ی مستقل چاپ شده از این ، تعویض السند را بحث کردند .**

**آیت الله مددی : اولا لفظ تعویض اصلا اصطلاح نیست لفظ عرفی است به قول شما تعویض چرخ مثلا ، این اصلا من در آوردی است و این طریقة حسن خوب می‌گوید احمد عن سعد می‌گوییم نه بگوییم ابوه عن سعد خوب این را چه بگوییم . البته این را کجا می‌گفتند آقای خوئی در جایی که مثلا فرض کنید مثلا شیخ وقتی ابن ابی عمیر را نام می‌برد اخبرنی بجمیع کتبه و روایاته فلان عن فلان و این طریق صحیح است بعد شیخ فرض کنید در تهذیب یک حدیثی را نقل می‌کند که تا ابن ابی عمیرش ضعف درش دارد تا قبل از ابن ابی عمیر مثلا سهل بن زیاد مرحوم آقای خوئی می‌گفتند خیلی خوب این طریق ضعیف است لکن چون گفته اخبرنی بجمیع کتبه و روایاته این هم از روایات ابن ابی عمیر است سهل را برمی‌داریم آن طریق را به جایش می‌گذاریم . معلوم شد چه می‌خواهم بگویم ؟**

**عرض کردم من خودم نشنیدم اما فکر می‌کنم مرحوم آقای خوئی نقل ، چون بعضی از شاگردان ایشان غیر از ایشان هم دیده بودم که این حرف را می‌زدند ، روشن شد چه می‌خواهم بگویم ؟ اخبرنی بجمیع کتبه و روایاته مثلا مشایخ از احمد اشعری عن ابن ابی عمیر مثلا سند درست است آن وقت در تهذیب یک حدیثی است یا در کافی من باب مثال نداریم سهل از ابن ابی عمیر نداریم یک نفر ضعیف فرض کنید مثلا عن مثلا فلان عن ابن ابی عمیر یک نفر ضعیف از ابن ابی عمیر می‌گوید این طریق ضعیف است الان لکن چون تمام روایات ابن ابی عمیر را با طریق صحیح نقل کرده است پس این طریق ضعیف را برمی‌داریم آن طریق عام را می‌گذاریم و حدیث صحیح می‌شود .**

**یکی از حضار : این مشکلش خیلی کمتر از آن شکل قبلی است .**

**آیت الله مددی : این تعویض همین است دیگر ، ایشان برداشت اسمش را گذاشت تعویض .**

**این مشکل اولش این است که اساسا ، چون یک آقایی گفت من گفتم یرد علی اولا ثانیا ، این اولا ثانیا نمی‌خواهد اولا مراد از کلمه‌ی کتبه یعنی نوشته‌های خودش ، روایاته یعنی کتب اصحاب . این روایت به معنای روایتی که ما الان داریم خیال می‌کند این روایت که الان مقابل ماست . یعنی ابن ابی عمیر هم خودش نوشتار داشته هم کتب اصحاب کتاب جمیل را نقل کرده کتاب عمر بن اذینه این را اصطلاحا گفتند روایت ، روایت مراد این است اصلا نه اینکه این روایت واحده که اینجا هم سندش ضعیف است مراد این باشد اصلا اینها ملتفت نشدند بعد هم به قول آن آقا ، نجفی‌ها چون عادت به این اشکال دارند اشکال دور هم لازم می‌آید به قول آقایان چون این که این روایت آن است از کجا شما اثبات کردید آن و اخبرنا بجمیع کتبه آن جا می‌گوید روایاتی اول باید ثابت بشود روایاتش چیست ؟ اینجا چون سند ضعیف است ثابت نیست روایات اوست . با عنوان اخبرنی بکتبه و روایاته موضوع را ثابت می‌کنید .**

**یکی از حضار : مثل تمسکه به آن در شبهات موضوعیه**

**آیت الله مددی : اها در شبهات موضوعیه است یا دور لازم می‌آید دقت کردید ؟**

**دیگر حالا این به اسم نظریه‌ی تعویض ، دقت کردید چه شد ؟ خدا نکند که کسی نسبت بدهد به علمای ما که این کار را کردند این خیلی مشکل است ها .**

**یکی از حضار : همین که مقید بودند تذکر دادند**

**آیت الله مددی : و کان یتساهل فی الحدیث یعلق الاسانید بالاجازات عرض کردیم دو تاست تعلیق ، حالا نمی‌خواستم وارد بشوم دیگر حالا امشب حالا آقای علیرضا یک مقدار ، امشب دیگر راجع به فهرست ، این مشکل فهرست ابن بطة این اگر باشد آقا خیلی مشکل است. بعد آن می‌گوید مخلط است مخلط معنایش این است که جابجا می‌کند یعنی مثلا احمد بن عیسی را کرده احمد بن محمد ، خلط کرده بین مثلا محمد بن عیسی بن عبید با محمد بن عیسی اشعری مخلط یعنی جابجا کرده اما عبارات مرحوم نجاشی دقیق تر است بحث جابجایی نیست بحث مساله‌ی تعلیق الاسانید بالاجازات است . مشکلش بیشتر است .**

**بعد یک عبارت هم سعد دارد نه ؟**

**یکی از حضار : می‌گوید که فقط طریق را می‌گوید اخبرنا**

**آیت الله مددی : نه عبارت ابن الولید را یک بار دیگر بخوانید .**

**یکی از حضار : کان محمد بن جعفر بن بطة ضعیفا مخلطا فی ما یسنده .**

**آیت الله مددی : یک عبارتی هم به نظرم از سعد بن عبدالله نقل می‌کرد .**

**یکی از حضار : بعد کتاب تفسیر اسماء الله دارد می‌گوید و صفی ابوالعباس بن نوح و قال هو کتاب حسن کثیر الغریب سدید بعد هم طریقش را می‌گوید از ابن نوح از حسن بن حمزه‌ی علوی است .**

**آیت الله مددی : بله ایشان طریقش ابن نوح فقط نیست جماعة من مشایخنا**

**یکی از حضار : می‌گوید اخبرنا ابوالعباس احمد بن علی بن نوح قال حدثنا حسن بن حمزه‌ی علوی الطبری**

**آیت الله مددی : وقت‌هایی که مرحوم حسن بن حمزه‌ می‌آید به بغداد ابن نوح هم بوده است ابن نوح هست ابن عبدون هست ابن غضائری هست شیخ مفید هست نجاشی از طریق اینها از حسن بن حمزه این طریق نسخه‌ی نجاشی خیلی خوب است . خود کتاب ضعف داشته اما نسخه‌ی ایشان خوب است شیخ رحمه الله نسخه‌اش هم مشکل داشته است . حالا اگر مایل باشید این مشکلات آن وقت گاهی می‌رسد به مساله‌ی اعتبار سنجی به قول ایشان یک مثالی فردا شب برای اعتبار سنجی بزنیم دیگر خیلی خسته شدیم .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**